

نام دریای خزر در نقشه ها

دکتر فیروزی¹، بلال زارعی²، مسعود ظفری³

Zareie3@Gamil.com

چکیده

بررسی نام پدیده ها در ادوار تاریخی و نقشه ها، اسناد و پیدایش دیگر نام ها بر ای یک عارضه از ویژگی مباحث جغرافیایی است. پرداختن به نام دریای شمال ایران (خزر) در اسناد و نقشه تاریخی گویای این واقعیت است که دریای خزر تاکنون بیش از 36 نام به خود دیده است نام های که بیشتر بر گرفته از اقوام و طوایف بوده که روزگاری در این مناطق رایج بوده و امروز نامی از آنها نیست و فقط در نقشه ها و اسناد می توان آنها را دید این مقاله با روش توصیفی، کتابخانه ای به بررسی نام دریای خزر (مازندران) پرداخته است و در نهایت جهت همسان سازی نام های این دریا که بیشتر به سه نام مشهور شده است استفاده از نام بین المللی آن یعنی دریای کاسپی را مطرح کرده است چون نام کاسپین برگرفته از نام قوم کاسپی است که نژاد ایرانی در شمال کشورمان است. و از کان کلیدی: خزر، مازندران، کاسپین، نقشه

مقدمه

نام، هویت و نشان یک پدیده است و نام گذاری پدیده ای مسلماً برگرفته از فرهنگ و تمدن یک قوم و ملل است. جغرافیدانان پیشین در نام گذاری سرزمینها، دریاها، رودها، کوهها و... ریشه های را پاس داشته اند و به کار برده اند بدین معنی که نام ایلها، طایفه ها و مردمان هر ناحیه یا منطقه به سرزمین آنها اتلاق شده است و نام بیشتر رودها از رنگ آبها و نام بیشتر کوهها در همانند بودن آنها و کالبدهای دیگر گرفته شده است. در نام گذاری دریاها و دریاچه ها از ریشه استوارتری پیروی شده است و بیشتر دریاها همیشه به نام کشور یا سرزمینی که در نزدیکی و پیرامون آن قرار دارند نامیده شده اند اقیانوس هند، خلیج مکزیک، دریای چین، دریای پارس و... از این گونه نام ها هستند، وجود اسامی متعدد بر پدیده های جغرافیایی حکایت از استقرار اقوام مختلف در طول تاریخ در مکان دارد که اغلب این اسامی مدت های مدیدی پس از محو فرهنگ به وجود آورنده اش به بقای خود ادامه می دهند اینگونه نام های مکانی رد پای گذشته را حفظ می کند. هر نام جغرافیایی سه ویژگی دارد 1- مکان و موقعیت 2- پیشینه تاریخی 3- ساختار و مفهوم (رفاهی، 1380: 16) و بدون شک دریای خزر نیز از این اصل مستثنی نبوده است تاکنون نام های بسیاری بر این دریا نهاده شده است به طوری که هیچ دریای تا امروزه شناخته نشده که در گذر تاریخ به اندازه دریای خزر نام های گوناگونی داشته باشد این نام ها بازگو کنند جایگاه حساس و استراتژیک این دریا است. این دریا به سبب موقعیت سیاسی و اقتصادی همواره در تاریخ مورد توجه اقوام و ملت های جهان قرار داشته است و نام های گوناگونی به خود گرفته است. نام گذاری در ادوار تاریخی بستگی به جریان تسلط قوم وایلی

¹ - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

² - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز

³ - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز

به این نواحی داشته و هر ایلی که بر این نواحی مسلط می شده بدون شک نام طایفه یا ایل خود را بر این دریا می گذاشته از آنجای که پژوهش علمی در باره ریشه های نام گذاری دریاها ، خلیج ها و بندرها جزیرها سبب می شود تابخشی از گذشته اجتماعی و اقتصادی تاریخی و جغرافیای سرزمین ها آشکار گردد از این رو برای دست یافتن به این ریشه یابی ضرورت دارد توجهی ویژه به نقشه که زبان گویای تاریخ سرزمین ها ست برای روشن تر شدن موضوع داشته باشیم و ضرورت یک موضوع را آشکار می سازد و آن اینکه : شناسدن و بررسی نام دریای خزر در نقشه است .

بیان موضوع

نام های تاریخی دریای خزر در ادوار تاریخی :

نام گذاری هر دریا و دریاچه نشأت گرفته از فرهنگ هر قوم و طایفه ای بوده است . و نزدیکی این دریا و دریاچه به آن قوم و طایفه بوده است . و یا تمامی اقوامی که در نزدیکی آن دریا تحت سلطه قوم مسلط بوده است که نام دریا از نام آن قوم گرفته شود . عجیب ترین دریا از لحاظ نام و نام گذاری در متون و ادوار تاریخی، دریای خزر است و شاید این سوال مطرح شود که دلیل این همه اسم بر این دریا، چه بوده است؟ و اگر آن را با دریای جنوبی ایران (خلیج فارس) مقایسه کنیم می بینیم که خلیج فارس همیشه در ادوار تاریخ یک اسم داشته است ولی دریای شمال (خزر) بیش از 36 نام به خود داشته است . ابن حوقل جهانگرد مسلمان در سال 331 هجری قمری (941 م) به عزم گردش در اقصی نقاط جهان حرکت کرده بود این پهنه آبی بزرگ را دو نام داده است وی در شرح جزیره آبسکون می نویسد: گرگان رابه بندر گاهی به نام آبسکون در کنار دریای طبرستان که از آنجا که به کشتی نشسته و به خزر و با ب الابواب و جزء آن می رود (ابن حوقل 1361 : 125) در جای دیگر به شرح دریای مذکور پرداخته آنرا دریای خزر می نامد همچنین مقدسی جهانگرد مسلمان در قرن چهارم در ذکر سرزمین دیلم می نویسد : من آن سرزمین را به پنج حوزه بخش کردم . نخستین آنها از سمت خراسان، قومس پس گرگان، طبرستان، دیلمان، سپس خزر است و دریاچه در میان این حوزه ها است (مقدسی 1361 : 518) . از روزگاری که آریاییان در منطقه ایران زمین سکونت گزیدند . با این دریای بزرگ در سرزمین خود آشنایی داشتند در اوستا نام این دریا ((وړاکش)) یا ((وړوکش)) به معنای فراخ کش یا ((فراخ کرت)) به معنای (گستره و پهنه باز) آمده است اما در آثار یونانیان بیشتر از همه هردووت ، این دریا رابه نام ((کاسپیون پلاگوس)) شناخته و کاسپی ها را قومی در غرب دریا دانسته اند که به مرور در مادها ادغام شده اند این قوم همواره در منطقه گرجستان و اران سکونت داشته اند (تکمیل همایون، 1379: 28). در مورد نام های تاریخی باید مروری بر اقوام ساکن این منطقه داشته باشیم . در پیرامون دریای خزر اقوامی زیادی زندگی می کردند که عموماً می توان آنها رابه دودسته تقسیم کرد الف (اقوام ایرانی ب) اقوام غیر ایرانی . الف (اقوام ایرانی) اقوام ایرانی و ساکنان پیشین ایران زمین بیشتر در بخش های غربی و جنوبی و شرقی این دریا سکونت داشته اند و از زمانی که در این سرزمین وسیع حکومت و دولت پدید آمده ، تعلق و برخورداری ایرانیان از دریای مزبور بیشتر از اقوام دیگر بوده است . مشهورترین اقوام ایرانی ساکن در این مناطق عبارتند از کاسپین ، آلبانی ها ، دیلم ها ، گیل ها ، آموها ، تپورها ، هیرکانی .

ب (اقوام غیر ایرانی) : اقوام غیر ایرانی بیشتر در شمال دریای خزر زیست می کردند و همیشه با اقوام و حکومت های شرق و غرب و جنوب این دریا سر ستیز داشته اند . که مشهورترین آنها عبارتند از : هیاطله ، ترکان ، خزران ،

ماساژشاهها، سیت ها (وسکاها)، (تکمیل همایون، 1379: 29). دریای خزر در طول تاریخ نام های گوناگونی داشته است که در زیر به آنها اشاره می شود .

1- هیرکانی، کاسپین، ساکازنه، خزر، تبرستان، فراخ کرت، آبسکون، خراسان، آلفوده، گیلان، دیلم، ساری، باکو، قزوین، خوالینسک، تنگیز، مازندران، آلبانیا، استراخان، باب الابواب یا دربند عجم، تالشان یا طالشان، جنورچیا، جوزان، حاجی ترخان، دهستان، سکوت ها، سی هایی، شیروان، کامرو (کمروت یا کمرو)، ورکان یا ورگان یا ورکانه (افشار سیستانی، 1376: 271)

در واقع منشاء نام های دریای خزر را می توان به 5 قسمت مختلف تقسیم کرد . اسامی ملتها، سرزمینها، شهرها، دریاها، و نام های نادرست، نقشه شماره 1

1- ملتها : که شامل اقوامی چون سیتهها، تپیر، خراسان، قز، کاسپین

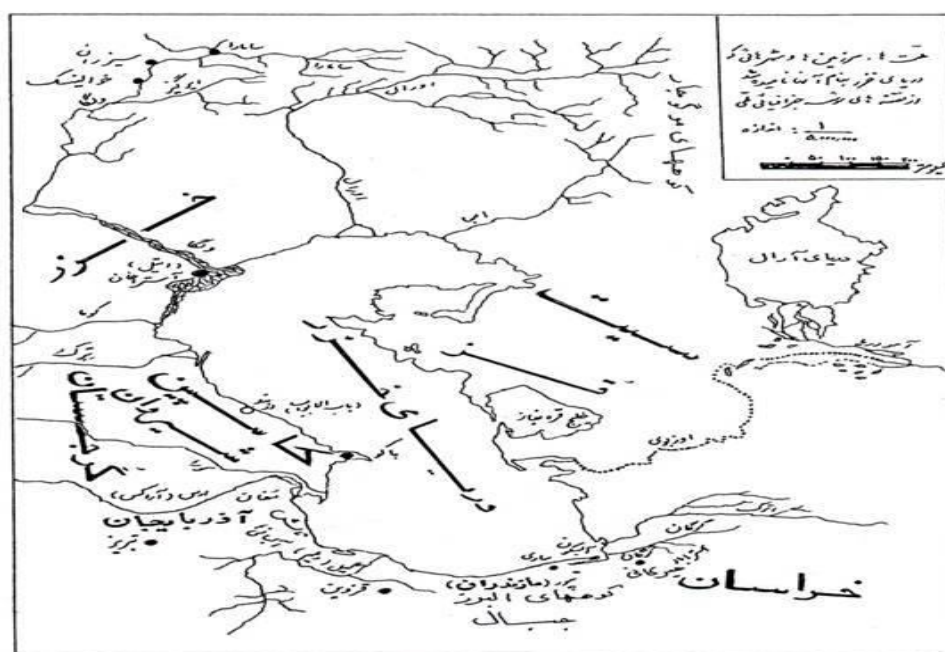
2- سرزمینها : هنوز دریای خزر دارای نام های است که متعلق به سرزمینهای اطراف آن است . این نامها عبارتند از استراباد، شیروان، خراسان، مازندران، مغان، جبال

3- شهرها : شهرهای که نامشان رابه دریای خزر داده اند عبارتند: از آبسکون، استراخان، باب الابواب، باکو، گرگان (جرجان)، سارایی (ساری)

دریاها : دنیز (اق دنیز و گوزگون)، دراه آکفوده، دریا طبق نظر اراسطو از طرف مردم ساکن باختر تنها کلمه ((دریا)) درمورد دریای خزر به کار رفته است . سالا، سی هایی، زرایه و روکاستا، دریای پهلوی .

5- نام های نادرست : از میان نام های گوناگون که درباره دریای خزر ذکر شده است نام های قلزم و خوارزم به دور از واقعیت است . چون قلزم برای دریای سرخ و خوارزم برای دریای خوارزم یا آرال به کار رفته است . (مخفم پایان ، 1375 : 39)

نقشه شماره 1



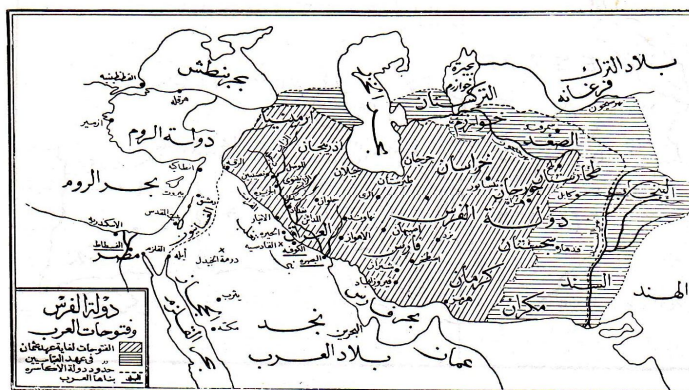
بررسی سه نام تاریخی و پر اهمیت دریای خزر .

1-(- خزر

2-(-مازندران

3-(-کاسپین

نقشه شماره 2



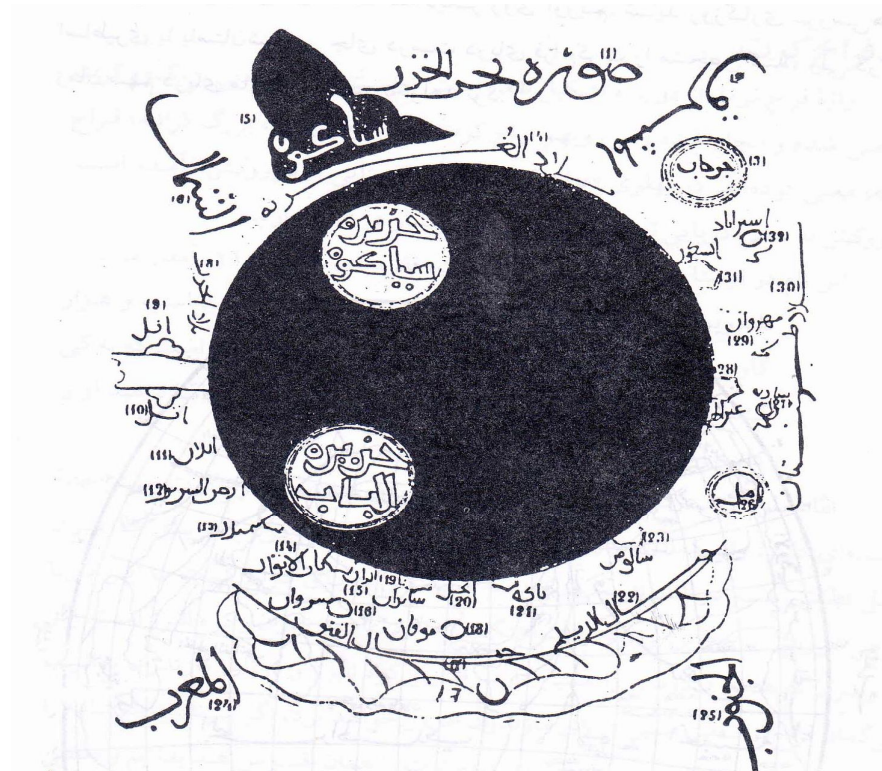
بحر خزر در نقشه حکومت ایران و فتوحات ایران

1-(- خزر : (نام رسمی)

خزرها، که دریای شمال ایران به نام آنها معروف گردیده است . خزران ، بحر خزر و خوز خوانده شده است . این اقوام ترک نژاد بوده اند که از بیابانهای آسیای مرکزی به سوی پایین رودخانه ولگا ، یعنی در شمال قفقاز و کرانه های باختری دریای مازندران کوچ کرده بودند . در سده ششم و هفتم میلادی ، کشوری به نام ((خاقانات خزر)) . در بخش های پایین ولگا و نزدیکی دریای آزروف و کوههای کریمه با شهرهای همچون : سمندر ، اتیل ، باتل ، سارگل و... به وجود آوردند و طبقه حاکمه خزرها آیین یهود را پذیرفته اند . خزرها بیشتر به سرزمین اسلاویانها و شمال ایران هجوم می آوردند و به اقتصاد و فرهنگ آنها خسارات های زیادی وارد می کردند بنابر نوشته تاریخ نگاران خسرو وانوشیروان ، پادشاه ایران برای جلوگیری از هجوم خزرها به شمال ایران دیوار بزرگی در شهر دربند یا باب الابواب بنا کرده است . که آثار شگفت انگیز آن هم اکنون باقی است . (محمود زاده ، 1351: 45) در واقع نام خزر نام هزار ساله آن است که به طور رسمی در دوره قاجاریه در مکاتبات و قراردادهای این زمان در اسناد آمده است و این اسم به طور مستمر از سوی اعراب ، ترک ها و ایرانی ها بر پهنه آبی شمال ایران اطلاق شده است. وجود ده ها کتاب، مورخین، جغرافیدانان، صدها نقشه تاریخی، مجموعه اسناد و قراردادهای میان ایران و سایر کشورها دلیل بارز این امر است. مراجعه به کتابها و مجموعه عهدنامه های تاریخی ایران ویا آرشیو وزرات امور خارجه نشان می دهد که نام دریای خزر در تمامی متون فارسی (حدود 20 عهده نامه) از جمله عهد نامه های طهماسب 1732 با پترکبیر و عهدنامه نادر شاه 1735 فقط با نام های دریای خزر ودر لاتین به نام کاسپین ثبت شده است این نام را می توان در همه آثار جغرافیدانان و مورخین ایرانی و عرب دید از جمله معجم الاتواریخ والقصص صفحه 472 که مولف آنها

نامعلوم است آورده شده است. خزران که جمع کلمه خزر است به طور واضح نام این دریا از قرن نهم به نام خزر معروف شده است .

نقشه شماره 3 قدیمترین نقشه ی دریای خزر



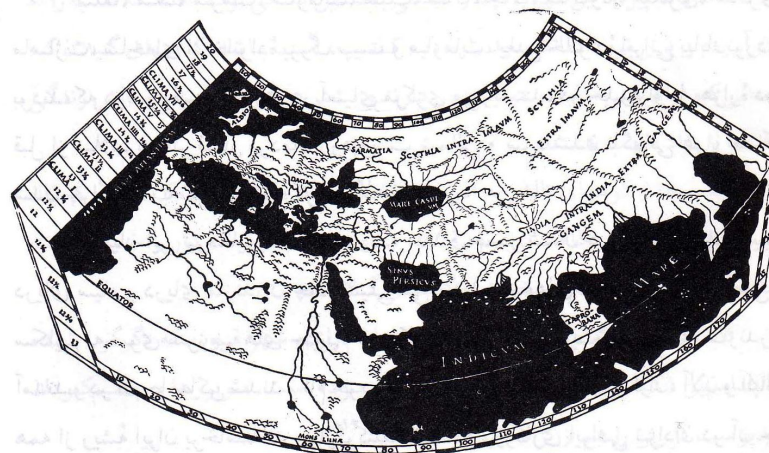
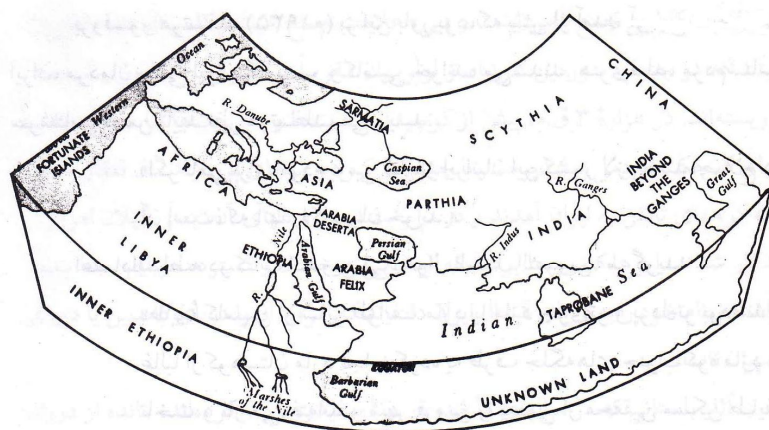
بحر خزر ترسیم ابوزید بلخی 309 هجری قمری

2-) مازندران : (نام شاهنامه ای)

واژه مازندران از سده های پیشین وبه قولی از آغاز سده هفتم هجری قمری وسیزدهم میلادی در روزگار تاخت وتاز مغولان جای نام کهن تر یعنی طبرستان راگرفت ، واین نام نیز براین دریا نهاده شده. تاکنون این نام پایدار بوده است .در روزگاران باستان واژه مازندران به معنی سرزمین مشخص رایج بوده است کهن ترین جایی که واژه مازندران در آن به کار رفته است شاهنامه فردوسی است که بسیاری از رویدادهای افسانه ای شاهنامه در مازندران روی داده است که مهمترین آنها هفت خوان رستم است . واژه مازندران از سه جزء تشکیل شده است . ((مز)) به معنای بزرگ، دو جزء دیگر ((ایندره)) نام یکی از پروردگاران آریاییان که دین مزدیستی داشتند و از دیوها شمرده شده است وپسوند((ان)) که در ساختن نام جای به کار می رفته است . این واژه در اصل ((موزندرون)) بوده است . این واژه به معنی جغرافیای آشکار خود در روزگاران پس از اسلام در سده های هفتم هجری قمری جای طبرستان راگرفت . این نام بیشتر درمحل وعرف رایج بوده است تا درمتن اسناد ونقشه های تاریخی وکمتر مورد

استفاده حکومتها بوده است و از لحاظ محاوره ای از دیگر نام ها سابقه کمتری دارد و حتی در حال حاضر درون کشور به طور رسمی استفاده نمی شود . از میان 160 جغرافیدان و سیاح و مورخ ایرانی و عربی حدود 60 نفر از آنها در کتاب خود نام این دریا را خزر به کار برده اند نام مازندران و گویا اولین بار یاقوت حموی از واژه مازندران به جای طبرستان استفاده کرده است و این هم به معنای نام گذاری از سوی ایشان برای دریا نبوده است . و استفاده از این نام بیشتر بر سواحل اطراف تکیه داشته است تا خود دریا، نام های همچون: انزلی، چالوس، رشت ، باکو، .. که همگی مفهوم سواحل را می رسانند نه معنای دریارا (عجم، 1382)

3-) کاسپین: (قدیمی ترین و نام بین المللی) در گذشته به دریای شمال ایران کاسپین ، کاسپیا ، کاسپیانا و کاسپی می گفتند به گفته استرابن کاسپی ها در کناره جنوب باختری دریای شمال ایران می زیستند که این دریا به نام آنان دریای کاسپی خوانده شده است کاسپی ها مردمی بودند کهن و از نژاد ایرانی که در مرکز و جنوب خاوری قفقاز زندگی می کردند . امروز نیز این دریا به زبان لاتین به نام کاسپین معروف شده است هرودوت در 460 ق.م این دریا را مستقل دانسته است و پس از او اراسطو در 346 ق.م این دریا را جدا دانسته و آن را دریای کاسپی نامیده است . نقشه شماره 4 (بریمانی ، 1350) در واقع کاربردی ترین نام نام کاسپین است . اصیل ترین ، تاریخی ترین و برترین نام از همه جهات و در بردارنده نام یک قوم ایرانی است که هم اکنون ریشه نژادی بسیاری از اقوام ساکن در کناره این دریاست اما مشکل اساسی در این باره این است که اگر امروزه نام این دریا در داخل کشور از نام کاسپین استفاده شود ، از سوی بسیاری از مردم یک نام خارجی و وارداتی قلمداد می شود . مگر فرهنگ سازی، صحیح از سوی رسانه ها و روزنامه های کشوری و محلی صورت گیرد . امروزه در تمام قراردادها و مذاکرات این دریا، از نام کاسپین استفاده می شود.



دریای کاسپین در نقشه جهانی بطلیموس

نتیجه گیری :

بر اساس متون تاریخی واسناد غیر قابل انکار نام دریای شمال ایران از دوران باستان به دلیل سکونت اقوام کاسپی ها که شهرهای همچون قزوین وکاشان رابنا نهادند به نام این قوم شناخته می شده است وحتی در متون یونانی نام این دریا ماره کاسپیوم ذکر شده است ودر طول تاریخ نیز به نامهای دیگری معروف بوده است اما با توجه به بحث یکسان سازی نام های جغرافیای در رابطه با نام دریای شمال کشور با سه نام مواجه هستیم ، کاسپین در خارج از کشور وهمه کشورهای جهان این دریا رابه نام دریای کاسپین می شناسند در داخل کشور به نام دریای خزر در واقع

نام رسمی این دریا در متون وعهدنامه های دوره مختلف تاریخی و به خصوص قاجاریه وافشاریه وبعد از آن به این نام معروف بوده است و نام مازندران بیشتر در سطح محلی رایج بوده است وحتی در نقشه های که امروزه از طرف موسسات جغرافیایی تولید می شود ابتدا نام خزر نوشته شده ودر پاره ای از اوقات نام مازندران در داخل پرانتز جلوی نام دریای خزر نوشته می شود

اما تکلیف چیست وکدام نام را باید برای این دریا انتخاب کرد .عموما باید در انتخاب نام دریا یاپدیده جغرافیای در کشورمان باید به اولین فاکتوری که توجه بکنیم فرهنگ وتمدن کهن این کشور است واگر آن پدیده بین المللی است علاوه بر فرهنگ کشورمان باید به منافع ملی و بین المللی هم توجه بشود. براساس بررسی تاریخی ونقشه های تاریخی تاکنون 36 نام بر این دریا نهاده شده است که معروفترین آن همین سه نام ذکر شده بوده (خزر ، کاسپین ، مازندران) که نام خزر در داخل کشور از اعتبار بیشتری برخوردار است نسبت به بقیه نامهای ذکر شده ونام کاسپین هم که در خارج از کشور کاربرد دارد ودر نهایت پیشنهاد می شود با توجه به یکسان سازی و اینکه نام قوم کاسپی برنام این دریا گذاشته شده است در خارج از کشور می توان همین نام را که یک نام ایرانی است درداخل کشور هم رایج کرد .چون نام کاسپی احیا کننده نام و فرهنگ مردم شمال کشورمان است .

منابع وماخذ

- 1- افشار سیستانی، ایرج، 1376، نام دریای پارس ودریای مازندران وبندرها وجزیرهای ایرانی، تهران، انتشارات کشتیرانی والفجر 8
- 2- ابن حوقل، 1361 ایران در صوره الارض به کوشش وترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات امیر کبیر
- 3-بریمانی، احمد، نام های قدیمی دریای مازندران، مجله تلاش، شماره 28، اردیبهشت 1350 ص 67
- 4-تکمیل همایون، ناصر، 1370، سرگذشت دریای مازندران، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی .
- 5-رفاهی، فیروز ، 1380، مبانی توپینومی ، تهران سازمان نقشه برداری
- 6- عجم، محمد، نقدی بر دو مقاله، روزنامه مردم سالاری 82 /6 /9
- 7 -مخفم پایان، لطف اله، 1375 دریای خزر، ترجمه جعفر خمامی زاده، تهران، انتشارات هدایت رشت
- 8- مقدسی، ابو عبدالله، محمد بن احمد 1361 احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، انتشارات شرکت مولفان ومترجمان ایران 9-محمود زاده، کمال، 1351، شناخت دریای مازندران وپیرامون آن، تهران، سازمان جغرافیای کشور .